



اندیشه علم محمدصادق عبدالکلی

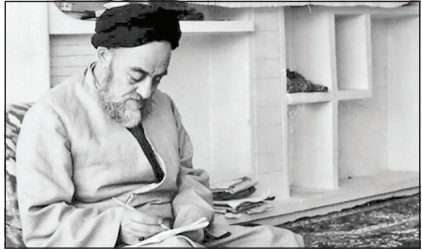
## انواع علم از منظر علامه طباطبایی

علامه طباطبایی در زمینه انواع علم و معرفت، تقسیم‌بندی متفاوتی را ارائه کرده است. در ادامه بر اساس مقاله «تیین دیدگاه معرفت‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در محتوا و روش‌های تربیتی» اثر شیرین ترشیدی، عضو هیأت‌علمی دانشگاه علامه طباطبایی و همکاران او به شکلی مختصر به بررسی این دسته‌بندی‌های می‌پردازیم:

### علم آلی و غیر آلی

در یک دسته‌بندی علامه طباطبایی علوم را به دو دسته آلی و غیر آلی تقسیم می‌کند. علم آلی علمی است که مقصود از یادگیری آن، خود آن علم نیست بلکه علم دیگر است؛ یعنی در حقیقت مسائل یکی بر مسائل دیگری متوقف است؛ و اثر مثبت موضوع یا دیگر موضوع یکی، جزء مسائل دیگری به‌شمار می‌رود. در این موارد، به علمی که متوقف و محتاج است «علم اسفل» و به علمی که متوقف علیه و محتاج الیه است، «علم اعلی» می‌گویند.

از دیدگاه علامه طباطبایی گاهی دو علم متباین هستند و آن دورا از آن جهت با هم می‌کنند علم آلی علمی است که مقصود از آراهی از اصول موضوعه علم دیگر است؛ یعنی در حقیقت مسائل یکی بر مسائل دیگری متوقف است؛ و اثر مثبت موضوع یا دیگر موضوع یکی، جزء مسائل دیگری به‌شمار می‌رود. در این موارد، به علمی که متوقف و محتاج است «علم اسفل» و به علمی که متوقف علیه و محتاج الیه است، «علم اعلی» می‌گویند.



### علم حضوری و حصولی

علامه طباطبایی در تقسیم‌بندی دیگری، علم را به حضوری و حصولی تقسیم می‌کند. حضرت علامه در توضیح می‌فرماید: «علم حاصل از سیر انفسی، علم حضوری است و علم حاصل از سیر آفاقی، علم حصولی است و علم حضوری سودمندتر است». از منظر دیگر فرق علم حصولی با علم حضوری در ناحیه علم و معلوم است. علم حصولی از منظر علامه، یعنی علمی که با واقعیت معلوم نوت‌نست. علم حضوری آن است که واقعیت معلوم، عین واقعیت علم است و شیء ادراک‌کننده بدون وساطت تصویر ذهنی، شخصیت واقعی معلوم را می‌یابد. علامه طباطبایی، علم حضوری را علمی می‌داند که در آن خود معلوم نیز علم وجود دارد و بنابراین این وجود اوبی‌واسطه، درک و دریافت می‌شود؛ یعنی وجود علم عین وجود معلوم است. علم حضوری، وجود خارجی معلوم نیز علم است؛ مانند حضور نفس انسان نزد خودش، صواب و خطا تنها در مورد علم حصولی مطرح می‌شود، اما در مورد علم حضوری صواب و خطا اساساً موضوعیت نمی‌یابد؛ صواب (مطابقت علم با معلوم) و خطا (عدم مطابقت علم با معلوم) است.

### علم نظری و عملی

علم نظری علمی است که محتوا و روش‌های مربوط و نیز علمی است که خود به‌خود عملی را از نمی‌آورد؛ هر چند عمل متوقف بر آن است و بدون آن تحقق نمی‌یابد. علم عملی مربوط است به آنچه شایسته و ناشایست است و نیز متضمن حکم به وجوب پیروی و التزام به است. علم نظری است. به‌عنوان مثال علامه اشاره دارد که: «علم نظری و استدلالی، آدمی را به‌وجود می‌آورد و معاد و جهنم می‌شود و اعتقاد، آدمی را وارد می‌کند که از آن معلوم نظری پیروی کند و عملاً هم به آن ملتزم شود. پس اعتقاد، علم عملی است و «علم نظری، بی‌بردن از آیات و موجودات خدا به‌خود او است.»

### علم برهانی

در علوم برهانی، موضوعی داریم که محمول از آن جدایی‌ناپذیر است و آن محمول به‌گونه‌ای است که با‌وضع موضوع، موجود واقع موضوع منتفی است. از نظر ایشان هر گاه در مسئله‌ای، محمول از موضوع جداپذیر بود، آن مسئله به علوم برهانی تعلق دارد.

### علم ضروری (بدیهی)

علم ضروری از منظر علامه طباطبایی (ره) آن علمی است که مخصوص به خدای تعالی است و حقیقتی است که قرآن پرده از آن برداشته است. در توضیح این موضوع علامه با استناد به آیه ۱۴۲ سوره اعراف می‌فرماید: «مراد از رؤیت در درخواست موسی(ع)، چنان‌که در آیه ۱۴۳ سوره اعراف آمده است: «رب آرنی انظر الیک»، «پروردگار! خود را به من نشان ده، تا تو را ببینم!» و در آیت مشابه دیگر، علم ضروری است. مراد از این رؤیت، قطعی‌ترین و روشن‌ترین مراحل علم است و تعبیر آن به رؤیت برای مبالغه در روشنی و قطعیت است. این است. این است این علم ضروری مخصوصی که خدای تعالی آن را در باره خود اثبات کرده و از آن به رؤیت و لقا تغییر فرموده است.

### علم حصولی و تصدیقی

تصور، صورتی از یک یا چند معلوم بدون ایجاب یا سلب است و علم تصویری از منظر علامه طباطبایی (ره) علمی است که شامل حکم نیست؛ مانند صورت ادراکی انسان تنها، اسب تنها و... تصدیق نیز صورتی از معلوم است همراه با ایجاب یا سلب چیزی از چیزی در مثل انسان خندان است و از نظر حضرت علامه، علم تصدیقی علمی است که شامل حکم باشد؛ مانند صورت ادراکی چهار بزرگ‌تر از سه است. روشن است که علم تصدیقی با وجود علم تصویری امکان‌پذیر است و علم تصدیقی بی‌علم تصویری صورت‌پذیر نیست. به‌عبارت دیگر هر جا که تصدیقی صورت بگیرد، قبل از آن باید تصویری از موضوع و محمول و یا مقدم و تالی آن وجود داشته باشد.

### علم کلی و جزئی

دسته‌بندی دیگری تقسیم علم به کلی و جزئی است. علم کلی بر خلاف علم جزئی، علمی ثابت است و پیش از وقوع معلوم و همراه با آن و پس از آن بر یک حال باقی می‌ماند. متعلق این علم می‌تواند امری متغیر باشد؛ مانند علم ستاره‌شناسی به‌وقوع ماه گرفتگی در تاریخ معین. این علم براساس محاسبات خاصی، نه در اثر مشاهده حسی برای ستاره‌شناس به‌دست می‌آید و ممکن است مدت‌ها قبل از وقوع این حادثه، ستاره‌شناس از وقوع آن در تاریخ خاصی آگاه باشد. به‌چنین علمی، «پیش از کثرت» نیز می‌گویند. طبق نظریه علامه (ره) علم جزئی (علم پس از کثرت) نیز علمی است که در اثر وقوع افعال خارج علم در ما پدید می‌آید و چون این علم به‌واسطه افعال از خارج به‌دست می‌آید، ثبات و تغییر آن نیز تابع ثبات و تغییر معلوم خارجی است. به‌طور کلی علوم حسی، جزئی است؛ زیرا این علوم بر تباط با خارج متوقف است؛ اگر آنچه در خارج است به‌واسطه تئوری که در آن روی می‌دهد، زایل گردد، علم حسی نیز زایل خواهد شد.

## اندیشه



# جامعه غنی و مستقل در گرو پیشرفت علم

گفتاری از استاد شهید مرتضی مطهری در باب علم در اسلام



هر عمل دیگر در میان عوام تحت عنوان «حسبنا کتاب‌الله»؛ زمینه انتقاد داشت، ولی هیچ اثری، در طول ۱۶۰ سال که بر این قضیه گذشت، از انتقاد دیده نمی‌شود.

### منطق قرآن

گذشته از همه اینها منطق خود قرآن درباره علم به شکلی است که قابل تخصیص و اختصاص نیست. قرآن علم را نور و چهل و ظلمت می‌داند، می‌فرماید مطلقاً نور بر ظلمت ترجیح دارد. قرآن صریحاً مسائلی را به‌عنوان موضوع مطالعه و تفکر پیشنهاد می‌کند. این موضوعات همان‌هاست که نتیجه مطالعه آنها همین علوم طبیعی و ریاضی و زیستی و تاریخی و غیره است که امروز در دنیا می‌بینیم. سوره بقره آیه ۶۴ می‌فرماید: «ان فی خلق السموات و اعرض و اختلاف الليل و النهار و الفلك التي تجری فی البیاح بما ینفع الناس و ما أنزل الله من السماء من ماء فأحیا به ارضی بعد موتها و یت فیها من کل دابسه و تصریف الراح و السحاب المسخر بین السماء و اارض لایات لقوم یعقلون»؛ یعنی در آفرینش آسمان‌ها و زمین، در گردش شب و روز، در حرکت کشتی‌های آبی که به‌وسیله آن بشر منتفع می‌شود، آمدن رومی و ریزش باران که سبب حیات زمین می‌شود، حیواناتی که در روی زمین در حرکت‌اند، گردش بادها و حالت مخصوص ابرها که در میان زمین و آسمان معلق‌اند، در همه اینها نشانه‌های قدرت و حکمت پروردگار است؛ یعنی همه اینها قوانین حکیمه علم اخلاقی و فقه و حدیث همینطورند یعنی جهت واجب است که آمادگی و تهیه می‌دهد برای کاری که موافق با منظور اسلام است. حتی خود یاد گرفتن مستقیم مسائل عملیه یعنی احکام و مسائل نماز و روزه و خمس و زکات و حج و طهارت که معمولاً در رساله‌های عملیه ذکر می‌شود، فقط برای این است که شخص بتواند و آماده بشود که وظیفه دیگری را درست انجام دهد. مثلاً یک یادگیرنده مستطیع که می‌خواهد به حج برود باید یاد بگیرد تا آمادگی و تهیه پیدا کند که مراسم حج را درست انجام دهد. وقتی که این اصل را دانستیم، نوبت به اصل دیگر و مطلب دیگر می‌رسد و آن اینکه اسلام چگونه دینی است و چه هدف‌هایی دارد و چگونه جامعه‌ای می‌خواهد؟ منظورهای اسلامی چه اندازه وسعت دارد؟ آیا اسلام تنها به چهار تا مسائل عبادی و اخلاقی قناعت کرده، یا دامنه دستورهایی این دین گسترش یافته است در همه شئون حیاتی بشر و به همه شئون حیاتی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بشر نظر دارد و در همه آنها منظور و هدف‌هایی دارد که باید تأمین شود؟ آیا اسلام می‌خواهد که جامعه مسلمان مستقل باشد، یا اهمیت نمی‌دهد که زیر دست اما اینکه مسلمان کمتر موفق شدند در این موضوعات به مطالعه بپردازند و بیشتر مطالعات خود را موضوعاتی قرار دادند که هیچ گونه توصیه‌ای از طرف قرآن نشده مطلب دیگری است و علل خاصی دارد، فعلاً جای بحث آن نیست. از قدیم این مطلب مطرح بوده که آیا منظور اسلام از علمی که آن را فریضه و واجب خوانده چیست؟ و هر دسته‌ای خواسته‌اند کلام پیغمبر را به همان رشته معلوماتی که خودشان داشته‌اند تطبیق کنند. متکلمین می‌گفته‌اند مقصود خصوص علم کلام است، مفسرین می‌گفته‌اند مقصود علم حدیث است، فقها گفته‌اند مقصود علم فقه است که هر کسی باید یا مجتهد باشد یا مقلد، علمای اخلاق گفته‌اند مقصود علم اخلاق و اطالعه از منجیات و مهلکات است، متصوف می‌گفته‌اند مقصود علم سیر و سلوک و توحید عملی است، و غزالی بیست قول در این زمینه نقل می‌کند، ولی

ج ۱، ص. ۱۷۷) علم را بی‌جویی کنید ولو مستلزم این باشد که تاچین سفر کنید. یعنی علم مکان معین ندارد، هر نقطه جهان که علم هست بروید و اقتباس کنید. باز فرمود: «کلمه الحکمه ضاله المشهد مؤمن است، هر جا آن را بیاید معطل نمی‌شود، آن را مال خودش می‌داند و برمی‌دارد؛ یعنی اهمیت نمی‌دهد که طرف کیست، مسلمان است یا کافر. همانطوری که آدمی مال خود را گم کرده در دست هر کس ببیند معطل نمی‌شود و برمی‌دارد، مؤمن نیز علم را مال خود می‌داند، در دست هر که ببیند آن را می‌گیرد... علم فریضه‌ای است که نه از لحاظ متعلم و نه از لحاظ معلم و نه از لحاظ زمان و نه از لحاظ مکان محدودیت ندارد و این عالی‌ترین و بالاترین توصیه‌ای است که می‌توانست بشود و شده.

### کدام علم؟

چیزی که هست سخن در یک مطلب دیگر است و آن اینکه منظور اسلام از علم چه علمی است؟ ممکن است کسی بگوید مقصود از همه این تأکید و توصیه‌ها به فراگیری علم، خود دین است؛ یعنی همه به این منظور گفته شده است که مردم به‌خود دین عالم شوند و اگر نظر اسلام از علم، علم دین باشد در حقیقت به‌خودش توصیه کرده و درباره علم به معنی اطلاع بر حقایق کائنات و شناختن امور عالم چیزی نگفته و اشکال به حال اول باقی می‌ماند، زیرا هر مسلکی هر اندازه هم ضد علم باشد، با آشنایی با خودش مخالف نیست. برای کسی که درست با اسلام و منطق اسلام آشنا باشد جای این احتمال نیست که بگوید نظر اسلام درباره علم منحصر آ علوم دینی است. این احتمال فقط از ناحیه طرز عمل مسلمین در قرن‌های اخیر که تدریجاً دایره معلومات را کوچک‌تر کردند و معلومات خود را محدود کردند پیدا شده و الا آنجا که می‌فرماید: «حکمت گمشده مؤمن است پس آن را به چنگ آورید ولو اینکه بخواهید از دست مشرکان بگیرید». معنی ندارد که خصوص علوم دینی باشد. مشرک را با علوم دین چکار؟ گذشته از همه اینها در متن سخنان رسول اکرم(ص) اقتید و تحدید و تفسیر شده که مقصود چه علمی است، اما نه تحت‌عنوان اینکه فلان علم باشد یا فلان علم، بلکه تحت‌عنوان علم نافع، علمی که دانستن آن فایده برساند و دانستن آن ضرر برساند. باید دید اسلام چه چیز را فایده و چه چیز را ضرر می‌داند. هر علمی که به‌منظوری از منظورهای فردی یا اجتماعی اسلام کمک می‌دهد و دانستن آن، سبب زمین خوردن آن منظور می‌شود آن علم را اسلام توصیه می‌کند و هر علمی که در منظور علم اسلامی تأثیر ندارد اسلام درباره آن علم نظر خاصی ندارد و هر علم که تأثیر سوء دارد با آن مخالف است.

### سیره ائمه دین

ما شیعه هستیم و ائمه اطهار علیهم السلام را اوصیای پیغمبر اکرم می‌دانیم. گفتار آنها و سیرت و در کمتر موضوعی و شاید نسبت به هیچ موضوعی این قدر توصیه و تأکید نشده بحثی نیست. قدیم‌ترین زمانی که کتب اسلامی در دسترس بود در ردف سایر دستوره‌های اسلامی، از قبیل نماز، روزه، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، بی‌شک تحت‌عنوان «باب وجوب طلب‌العلم» باز شده و علم به‌عنوان یکی از فرایض شناخته شده. گذشته از آیات قرآن کریم، مؤکدترین و صریح‌ترین توصیه‌های رسول خدا درباره علم است. این جمله از مسلمات علم مسلمان‌هاست که رسول خدا فرمود: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» (بخارالانوار، ج ۱، ص. ۱۷۷) تعلم و دانش‌جویی بر هر مسلمانی فرض و واجب است؛ اختصاص به طبقه‌ای دون طبقه‌ای، و به جنسی دون جنس ندارد. هر کس مسلمان است باید دنبال علم برود و فرمود: «اطلبوا العلم و لو بالین» (بخارالانوار،

## گفتمان اسلام

### مسلمان برای شناخت علت حوادث به چه باید مراجعه کند؟



آیت‌الله شهید سید محمد بهشتی (ره): مسلمان وظیفه دارد برای شناخت علت حوادث یا از وحی کمک گیرد یا از علم، یعنی اگر پیغمبر بزرگوار اسلام (صلوات‌الله و سلامه علیه) یا یکی از ائمه طاهران (سلام‌الله علیهم اجمعین) صریحاً فرموده باشند که فلان عامل غیبی موجب فلان پشامد می‌شود، این کافی است؛ دیگر منتظر نمی‌ماند، چون وحی است. اگر مطلبی از بیت وحی و سرچشمه وحی گفته شد، البته قبول می‌کنیم و این کاملاً روشن است. با مطالعات علمی و عالمانه بگوید فلان حادثه منشا فلان حادثه دیگری می‌شود، این هم قبول است. اما اگر نه علم باشد و نه وحی، بلکه براساس خیالات و موهومات گفته باشند هنوز جهل پر ادا گفته (چون ما امروز در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که چهل پراده‌ا، که ادعایش به آسمان‌ها می‌رسد، بر زندگی بسیاری از مردم حکومت دارد) هرگز این را نمی‌پذیریم؛ این وظیفه اسلام است. قرآن با صراحت می‌فرماید: میباید به دنبال ظن و گمان بروید. در این تقویم‌های قدیمی که ظاهر هنوز هم در خیلی جاها مرسوم است، نوشته شده است: طالع امروز دلالت می‌کند بر اینکه در این ماه چنین و چنان می‌شود، آخرش هم آمده والله اعلم! این «والله اعلم» هم برای این بود که خیلی به او اعتراض نکنند، و گر نه کسی که اعلم است، اصلاً این لاطاللات را نمی‌نویسد و در میان مردم منتشر نمی‌کند و بر دست و پایشان، دست‌نبدن و پابند چهل و نادانی و ترس از عوامل موهوم نمی‌زند. منبع: «مضان بهشتی»؛ گزیده تفسیر قرآن شهید آیت‌الله بهشتی

### فلسفه اخلاقی

## مجموعه دروس علامه مصباح یزدی در باب نقد و بررسی مکاتب اخلاقی



کتاب «نقد و بررسی مکاتب اخلاقی» مجموعه درس‌های حضرت آیت‌الله مصباح یزدی درباره فلسفه اخلاق است که به بخش و یک نتیجه‌گیری تدوین شده و مکمل بحث‌های مطرح شده در کتاب فلسفه اخلاق معظله است. این کتاب

در ابتدا به دسته‌بندی مکاتب و نظریات اخلاقی پرداخته و براساس آن، بخش‌های دیگر را سامان داده است. بخش‌های سه‌گانه این کتاب شرح و توضیح مکاتب غیرواقع‌گرا، واقع‌گرای طبیعی و مکاتب و گرایش‌های مابعدالطبیعی است. به توجیه به موضوع هر بخش، بر فصل از کتاب به تاریخچه پیدایش یک مکتب اخلاقی، اصول و مبانی آن و توضیح نمایش مخصات کلی، آن مکتب را به آوردگاه بررسی و نقد فراموش خواند (یعنی، نقاط قوت و ضعف آن را بیان می‌دارد. در پایان نیز در فصلی مشروح، نظریه اخلاقی اسلام را، با اشاره به جایگاه عقل، تجربه و وحی در حکم اخلاقی، معیار ارزش‌گذاری افعال اخلاقی، نقش اختیار و انتخاب آگاهانه از روش اخلاقی در تکامل نفس و نیز توضیحاتی درباره آن، نقش نیستی در تکامل نفس و نیز توضیحاتی درباره انتزاعی دانستن مفاهیم اخلاقی و اخباری دانستن حقیقت جمله اخلاقی، شرح می‌دهد. در بخش نتیجه‌گیری هم عمده اصلی نظریه اخلاقی اسلام، یعنی اخلاق بر مبنای کمال نهایی انسان و ویژگی‌های نظام اخلاقی اسلام بیان می‌شود.

### نظام تربیتی

## پژوهشی مردم‌نگارانه با رویکرد تربیتی



«فرهنگ آموزش و یادگیری» اثر دکتر محمد رضا سرکار آرائی با رویکردی فرهنگی به فرایند آموزش و یادگیری و با بهره‌گیری از روش‌های تحقیق توصیفی، تطبیقی، مطالعه موردی و مردم‌نگاری تلاش می‌کند تا مهم‌ترین ریشه‌های پیشرفت

و موفقیت آموزش و پرورش را در مقایسه با آمریکا تبیین کند و تصویری فرهنگی از ویژگی‌های فرایند آموزش و یادگیری در شرق و غرب ارائه دهد. این کتاب در هشت فصل، آموزش و یادگیری را در بستری زندگی فرهنگی و اجتماعی تجزیه و تحلیل می‌کند. عناوین فصول کتاب عبارت‌اند از: «درس‌پژوهشی به‌منابه فرهنگی حرفه‌ای معلمان»، «فرهنگ آموزش ریاضی»، «رویکرد فرهنگی به آموزش علوم اجتماعی»، «تجربه گذار از تقلید به تحقیق نوآوری»، «رویکرد تلقی به‌منابه فرهنگ برنامه درسی ملی»، «تربیت فرهنگی؛ مناسبات پیدای این پنهان»، «انگونه که در مقدمه کتاب آمده است»، «رویکرد فرهنگی به آموزش، رهیافتی تازه برای ترویج گفت‌وگو انتقادی در علوم تربیتی به‌ویژه روش‌های آموزش و یادگیری، مطالعات برنامه درسی و پژوهش‌های نظری و عملی این حوزه از دانش بشری است. این رویکرد با ارائه چارچوب نظری برای تبیین فهم فرهنگی آموزش، یادگیری و برنامه‌های درسی به ترویج عینی انگاره آموزش به‌منابه فرهنگ می‌پردازد». این کتاب از سوی انتشارات مترسب و زیر نظر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش به چاپ رسیده است.